

Understanding the Political and Religious Interactions of Iranian Women in the Contemporary Period with an Emphasis on the Approach of Intellectual History

1. Mansour Anbarmoo*

2. Nafise Moradi

1. PhD in Political Science, Science and Research Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran

2. Ph.D student of Quran and Hadith Sciences, Al-Zahra University, Tehran, Iran

Email: Mansour_anbarmoo@yahoo.com Received: 24.04.2023 Acceptance: 18.06.2023

*Journal of
Socio-political studies of Iran's
contemporary history*

eISSN: 2821-1294
<http://journalspsich.com>
Vol. 2, No 1, Pp: 292-313
Spring 2023

Original research article

How to Cite This Article:

Anbarmoo, M., & Moradi, N. (2023). Understanding the Political and Religious Interactions of Iranian Women in the Contemporary Period with an Emphasis on the Approach of Intellectual History, *spsich*, 2(1): 292-313.



© 2023 by the authors. License Iran-Mehr: The Institute for Social Study and Research, Tehran, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>)

Abstract

The essence of the individual and social life of the generation of Iranian women has always been questioned by political systems and social forces. To systematically explain this subject, the research problem can be made more comprehensible by formulating the concept of the "political-religious existence" of Iranian women, considered as manifestations of the collective unconscious and a basis for social action. Utilizing the approach of intellectual history, the main question of the article is what is the role, significance, and impact of the hybrid existential notions of Iranian women in shaping political and social behaviors in the contemporary history of Iran? The findings of the research show that the political-religious existence of women is not in a pure and unadorned form but is a concept influenced by political developments, diverse intellectual currents, and the opinions of thinkers, each of whom has had a specific impact on the formation of the Iranian woman's style of thought until the end of the 14th century Hijri; therefore, political and social constructs such as the establishment of political parties, participation in power assemblies, the issue of women's rights in events like the unveiling and legalization of the hijab, the domain shift of the hijab from a religious to a political matter, the formation of leftist feminism and religious modernism

movements, and ultimately the fluctuation of women's political and social activism and agency, are not phenomena that have formed suddenly but are the result of a gradual process of biological, political, and religious interactions of women with society and political systems in Iran in the contemporary era.

Keywords: Iranian woman, Political-social existence, Intellectual history, Hijab.

فهم برهمکنش‌های سیاسی و مذهبی زن ایرانی در دوره معاصر با تاکید بر رهیافت تاریخ فکری

منصور عنبرمو*^۱

نفسیه مرادی^۲

۱. دکتری علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۰۳ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۸ ایمیل نویسنده مسئول: Mansour_anbarmoo@yahoo.com

فصلنامه علمی

مطالعات سیاسی-اجتماعی تاریخ معاصر ایران

شاپا (الکترونیکی): ۱۲۹۴-۲۸۲۱

<http://journalspsich.com>

دوره ۲ | شماره ۱ | صص ۳۱۳-۲۹۲

بهار ۱۴۰۲

نوع مقاله: پژوهشی

به این مقاله به شکل زیر استناد کنید:

درون متن:

(عنبرمو و مرادی، ۱۴۰۲)

در فهرست منابع:

عنبرمو، منصور، و مرادی، نفیسه. (۱۴۰۲). فهم برهمکنش‌های سیاسی و مذهبی زن ایرانی در دوره معاصر با تاکید بر رهیافت تاریخ فکری. مطالعات سیاسی-اجتماعی تاریخ معاصر ایران، (۱)۲: ۲۹۲-۳۱۳.

چکیده

چیستی ماهیت زیست فردی و اجتماعی نسل زنان ایرانی، همواره از سوی نظام‌های سیاسی و نیروهای اجتماعی مورد پرسمان قرار گرفته است. برای تبیین روشمند این موضوع می‌توان با صورت‌بندی مفهوم «زیست سیاسی - مذهبی» زن ایرانی که از مظاهر ناخودآگاه جمعی و بستر کنش اجتماعی قلمداد می‌شود، مسئله پژوهش را فهم پذیرتر نمود. با بهره‌گیری از رهیافت تاریخ فکری، سوال اصلی مقاله این است که نقش، وزن و تاثیرگذاری انگاره‌های زیست هیبریدی زنان ایرانی در فرآیندهای شکل‌دهی رفتارهای سیاسی و اجتماعی در تاریخ معاصر ایران چیست؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد زیست سیاسی - مذهبی زنان نه به شکل خالص و بی‌پیرایه، بلکه مفهومی است متأثر از تحولات سیاسی، جریان‌های فکری متنوع و آرای متفکرانی که هر کدام تاثیر مشخصی بر شکل‌گیری سبک تفکر زن ایرانی تا پایان قرن چهاردهم شمسی داشته‌اند؛ از این رو برساخته‌های سیاسی و اجتماعی نظیر تاسیس احزاب سیاسی، مشارکت در مجامع قدرت، مساله حقوق زنان در رخدادهایی همچون

کشف و قانونی‌شدن حجاب، تحول ساحتی حجاب از امر مذهبی به امر سیاسی، تکوین جریان‌های فمینیسم چپ و نواندیشی دینی و در نهایت نوسان فعالیت و عاملیت سیاسی و اجتماعی زنان نه اموری دفعتاً شکل‌یافته، بلکه فرآیند تدریجی برهم‌کنش زیستی سیاسی و مذهبی زنان با جامعه و نظام‌های سیاسی ایران در دوره معاصر بوده است.

کلیدواژه‌ها: زن ایرانی، زیست سیاسی-اجتماعی، تاریخ فکری، حجاب.

مقدمه و بیان مسئله

پژوهش حاضر حاوی بحثی در باب کیفیت زیست سیاسی و اجتماعی زنان در ایران معاصر است. در قرن چهاردهم شمسی، بازیگران متعددی اعم از نظام‌های سیاسی، نیروهای مذهبی و سکولار و متفکران سیاسی و اجتماعی حضور داشته‌اند که هر کدام به فراخور ایده‌ها و اراده‌ها، سعی در شکل دهی انگاره‌ها و معرفی کهن‌الگوها^۱ برای زن ایرانی نموده‌اند.

در پژوهش حاضر، زیست سیاسی و اجتماعی نه به عنوان امری کاملاً وابسته به نظام‌های سیاسی بلکه به صورت سیال از منابع مختلفی تغذیه و الگوهای متنوعی را صورت‌بندی و برخی الگوهای عرفی را نیز دچار کژتابی یا استحاله می‌نماید.^۲ به طور مثال در تاریخ بلند پادشاهی ایران-جز آخرین دهه دوره پهلوی دوم- جایگاه «ملکه» در ساختار قدرت شکل نگرفت؛ اما در عین حال، پدیده «حرمسرا» دوام تاریخی قابل ملاحظه‌ای می‌یابد. مسئله پرداخته شده در پژوهش می‌تواند در درک این موضوع موثر باشد که چرا زن ایرانی هم از سوی نظام‌سیاسی پهلوی و هم از جانب برخی نیروهای مذهبی چون جمعیت فدائیان اسلام به مثابه یک «مسئله اجتماعی»^۳ دیده شد. نقطه تمرکز بحث از حیث تاریخی، «قرن بلند تاریخ معاصر ایران» از انقلاب مشروطه تا پایان قرن چهاردهم هجری (۱۲۸۵-۱۴۰۰) است. این دوره از حیث اتصال و پیوستگی وقایع و اندیشه‌ها، «قرن بلند تاریخ معاصر ایران»^۴ اطلاق شده تا صورت جامع‌تری از تحولات بر زنان ایرانی متأثر از زیست سیاسی و اجتماعی عرضه شود.

پیشینه پژوهش

تبیین تاثیرات و الگوهای زیست سیاسی و اجتماعی پیرامون زنان ایرانی، از حوزه‌های کمتر مطالعه شده در محافل علمی و پژوهشی است. اگرچه درباره سازمان‌ها و آرای متفکران سیاسی و مذهبی در باب زن ایرانی مطالعات ارزنده‌ای صورت گرفته، اما کمتر به الگوهای شکل‌دهنده از سوی

۱. Archetype

۲. در این باب می‌توان به شکل گرفتن جریانی تحت عنوان «فمینیسم اسلامی/ شیعی» پس از انقلاب اسلامی اشاره داشت که در تلاش برای وام‌گیری و امتزاج مفهومی عناصری از تشیع و فمینیسم است. برای اطلاعات بیشتر ر.ک به کتب زیبامیرحسینی در حوزه فمینیسم، اسلام و ایران. به طور مثال: Ziba Mirhosseini (1999), *Islam and Gender: The Religious Debate in Contemporary Iran*, Princeton University Press

۳. Social Problematic

۴. اصطلاح «قرن بلند تاریخ معاصر ایران»، وام گرفته از اریک هابسبام مورخ بریتانیایی است. وی بیش از آنکه قرن را بر مبنای سال تعیین کند، با حوادث دوران‌ساز معین می‌نمود. برای اطلاعات بیشتر ر.ک به هابسبام، اریک؛ عصر نهایت‌ها؛ تاریخ جهان ۱۹۱۴-۱۹۹۱، ترجمه حسن مرتضوی، تهران، انتشارات آگاه

جریان‌های مذهبی به سبک و سیاق پژوهش حاضر اشاره شده است. دیوید تورفیل (۱۳۹۹) در بخشی از کتاب «زیست‌شیعی: مناسکی‌شدن مسلمانان در ایران امروز» ضمن تأکید بر مضامینی همچون مناسکی‌شدن و بدن‌مندی و فرایند حجیت‌بخشی به نقش‌های جنسیتی، عواطف و فرایند جامعه‌پذیری زندگی ایرانیان اشاره کرده است. تورفیل تلاش دارد نشان دهد که چگونه دین‌داری و مناسک‌شیعی به ابزاری برای خودکنترلی در موقعیت‌های خاص زندگی شیعیان ایران از جمله زنان تبدیل می‌شود. (تورفیل: ۱۳۹۹) الیز ساناساریان (۱۳۸۴) در کتاب «جنبش حقوق‌زنان در ایران؛ طغیان، افول و سرکوب از ۱۲۸۰ تا انقلاب ۱۳۵۷» با دیدگاهی جامعه‌شناسانه به بررسی جنبش زنان ایران از زمان انقلاب مشروطه تا اوایل انقلاب اسلامی و چگونگی تشکیل سازمان‌های زنان در ایران، راهکارهای مطالبه حقوق و همچنین دلایل افول جنبش حقوق زنان به ویژه در دوره پهلوی پرداخته است. سهیلا ترابی فارسانی (۱۳۹۴) نیز در مقاله «زن و تحول گفتمان از خلال نشریه‌های زنان؛ از مشروطه تا پهلوی» با روش تحلیل محتوای تاریخی به واکاوی ۷ نشریه زنان از دوره مشروطه تا پهلوی از جمله دانش، شکوفه، زبان زنان، نامه بانوان، عالم نسوان، جهان زنان و نسوان وطن‌خواه، پرداخته و بررسی شیوه مواجهه و راهبرد نشریات زنان برای رخنه در ساختار سنت و گذار از زن ایده‌آل سنتی به زنان ایده‌آل مدرن و اولویت‌های آنها به منظور عبور به مفهوم و ارزش‌های جدید زندگی مدرن را مدنظر قرار داده است.

روش‌شناسی پژوهش

چارچوب نظری پژوهش حاضر را رهیافت تاریخ فکری^۱ به خصوص روش‌شناسی مدنظر هنری استیوارت هیوز^۲ شکل می‌دهد؛ از این رو روش تحقیق در پژوهش حاضر از زاویه تهیه، تحلیل و تالیف داده‌ها، روش تفسیری-تاریخی است. تاریخ فکری که از آن با عناوینی همچون «تاریخ سیر اندیشه»^۳ و «تاریخ روشنفکری» نیز یاد می‌شود، رهیافتی است که سعی می‌کند اندیشه‌ها را در بستر تاریخ مطالعه کند. به صورتی اجمالی تاریخ فکری «مطالعه اندیشمندان، ایده‌ها و الگوهای فکری در طول زمان» است و از این جهت اعم از تاریخ ایده‌ها/عقاید^۴ قرار خواهد داشت. مفروض اصلی تاریخ فکری این است که اندیشه نمی‌تواند مجرد از زمینه‌ها (واقعیات) سیاسی و فرهنگی

۱. Intellectual History

۲. H. Stuart Hughes

۳. این تعبیر در ترجمه‌های مختلف عزت‌الله فولادوند از آثار هیوز آمده است. برای اطلاعات بیشتر ر.ک به هیوز، هنری

استیورات (۱۳۸۶) آگاهی و جامعه، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران، نشر علمی و فرهنگی

۴. History of Idea

تولید و فهم شود. در تاریخ فکری نظام‌های ذهنی و فکری که معنایی از تاریخ یک فکر را در قالب زمینه‌ها و رویدادهای مرتبط بحث میکند، برجسته می‌کند. موضوع تاریخ فکری را می‌توان تاریخ افکار بشر به شکل مکتوب نیز می‌دانند. برای توضیح و فهم موضوع پژوهش باید از روش‌هایی استفاده کرد که تاثیر و تاثر و تعامل اندیشه؛ جامعه و واقعیت‌های اجتماعی را مورد تایید و تاکید قرار دهند. مراد از واقعیت، اشاره به زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی موجود، حین و پس از شکل‌گیری متن است. با بهره‌گیری از این روش نشان خواهیم داد تفاسیر مذهبی و سیاسی از کنش‌های زنان مربوط به زمان و مکان خاص خود است و متاثر از زمینه‌های اجتماعی خود قابلیت عرضه پیدا کرده است. قصد اصلی پژوهش حاضر روشن کردن این مسئله است که چگونه از زمان تحولات پیشامشروطه تا پایان قرن چهاردهم شمسی، تصورات مختلفی از جایگاه و کارکرد زن ایرانی پیدا شد که تا پیش از آن موضوعیتی نداشت هیوز نظرات خود در این زمینه را در یک تریلوژی به نام‌های «آگاهی و جامعه»^۱، «هجرت اندیشه اجتماعی»^۲ و «راه فروبسته»^۳ عرضه کرد. براساس نظر هیوز، هر اندیشه‌ای که تولید می‌شود لزوماً متاثر از شرایط اجتماعی و سیاسی می‌باشد و اندیشه خلق شده منفعل نیستند، بلکه با گذشت زمان در جامعه تاثیر می‌گذارند و موجب دگرگونی فهم در اجتماع می‌گردند. (هیوز: ۳۴: ۱۳۸۶) در روش‌شناسی هیوز علاوه بر تاکید بر واقعیت‌های سیاسی - اجتماعی به ارزش‌های ذهنی نیز توجه ویژه می‌کند و پژوهشگر مراحل زیر را طی خواهد نمود. در مرحله نخست بررسی زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و فکری یا همان سبک تفکر مدنظر است. مرحله دوم به فرایندها (ماهیت و چیستی) اشاره دارد و در مرحله آخر نیز نتایج و پیامدهای علمی و عملی مورد لحاظ قرار می‌گیرد. به عبارت بهتر این پژوهش با تاکید بر مفهوم تاریخ فکری در صدد پاسخ به این سوال است که چگونه در ایران معاصر، از برخورد اندیشه‌ها و نگرش‌های گوناگون با تاثر از جریان‌های مختلف فکری، نگرش جدیدی به زنان و کارکرد آن در ایران پدید آمد که تا پیش از آن موضوعیتی نداشت؟ سبک تفکر حول کنش‌های سیاسی و مذهبی‌زنان ایران که طیف گسترده‌ای از متفکران و اندیشمندان را شامل می‌شود؛ به چه صورتی قابل تبیین است؟ نویسنده تاریخ فکری سعی دارد که دورانی را از راه اندیشه‌های مهم و برجسته آن دوران بشناسد که در آن اندیشه‌ها نه به صورت یکپارچه و پیراسته، بلکه آمیخته با عناصر بیگانه و به صورتی تکه‌پاره زاده می‌شوند. براین

1. Consciousness and Society: The Reorientation of European Social Thought, 1890-1930, Transaction Publishers (UK,USA-1958)

۲. The Sea Change, The Migration of Social Thought, 1930-1965, McGraw-Hill (1977)

۳ The Obstructed Path: French Social Thought in the Years of Desperation, 1930-1960, Transaction Publishers, 1968

اساس باید دید چه شد که بعضی اندیشه‌های بنیادی در ایران معاصر پدید آمد و در زنان تأثیر گذاشت و چهره زن ایرانی را به صورت امروزی درآورد. طبعاً در این سیر تطور، نه یک نظام سیاسی، یک جریان و فرد بلکه عوامل متعددی دخیل بوده‌اند که در این پژوهش تلاش می‌شود به آنها پرداخته شود.

مبانی نظری پژوهش

به نظر می‌رسد زیست سیاسی و اجتماعی زن ایرانی متأثر از دو گزاره بنیادین مذهبی و تفاسیر صورت‌گرفته از آنها است. نخست بنابر نگرش اکثر تفاسیر ارائه شده از آیات قرآن، هر گونه سلطه زنان بر مردان ممنوع است.^۱ گرچه نصر حامد ابوزید، از اندیشمندان نومعتزله این تفاسیر را تاریخ‌مند و اغلب در ارتباط با قومیت‌هایی می‌داند که به تدریج آن را وارد دین اسلام کرده‌اند. مشابه رویکرد ابن رشد فیلسوف مغرب اسلامی که مسئله عدم مشروعیت تصدی پست سیاسی و مذهبی زنان را گزاره‌ای نه عربی بلکه متأثر از ایران باستان می‌داند که به تدریج وارد ادبیات اسلامی گردیده است. (فیرحی: ۱۳۸۹: ۶۸) سید محمدحسین فضل‌الله نیز این روایت از پیامبر اسلام که «اگر زنی رییس جامعه‌ای شود آن امت رستگار نمی‌شود» را با تلقی تاریخ‌مند، مربوط به شرایط زمانی و مکانی خاص می‌داند؛ لذا همچون آیت الله سید محمد اسحاق فیاض تسلط زنان را در امور سیاسی بر مردان می‌پذیرد. (فضل‌الله: ۱۳۸۹: ۱۴۳) گزاره دوم اعتبار سنجی تعبیر «ناقص العقل بودن زنان» منسوب به امام نخست شیعیان است.^۲ در پژوهش‌های متأخر این تفسیر در ارتباط با زمانه و زمینه نگارش متن، نقادی و تحلیل شده است. به طور مثال، در درس‌گفتار «تصویر زن در نهج البلاغه» که توسط انجمن مسلمانان شیعه دانشگاه نورث وسترن شیکاگو^۳ برگزار شد، این خطبه جعلی دانسته شد. (قندهاری: ۱۴۰۰) همچنین برخی از پژوهشگران نیز، تصویر زن در نهج البلاغه را با تصویر زن در کتب دیگر هم عصر خود مقایسه و آن را نه بازتاب تفکرات امام نخست شیعیان بلکه منطبق بر تلقی‌های زن‌ستیزانه در زمان جمع‌آوری متن منطبق دانسته‌اند (Inloes: 2015: 8).

برای تبیین بهتر مساله پژوهش، با تاریخ‌نگاری اجمالی، مهم‌ترین و تاثیرگذارترین فرازهای سیاسی و اجتماعی از دوران انقلاب مشروطه (۱۲۸۵) تا دهه چهارم حیات نظام جمهوری اسلامی (پایان قرن چهاردهم شمسی) به همراه بررسی کنش‌های نیروهای اجتماعی و نظام سیاسی مورد بررسی و تامل قرار می‌گیرد.

۱. الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ... قرآن کریم، نساء/ ۳۴

۲. ...إِنَّ النِّسَاءَ نَوَاقِصُ الْإِيمَانِ نَوَاقِصُ الْحُطُوبِ نَوَاقِصُ الْعُقُولِ... ای مردم، زنان از نظر ایمان و ارث و عقل ناقصند... نهج البلاغه،

خطبه شماره ۸۰

الف) دوره پیشا مشروطه / مشروطه (۱۳۰۳-۱۲۸۰)

انقلاب مشروطه در تحول نقش و جایگاه اجتماعی زنان نیز موثر بود و افق‌های نوینی برای عرض اندام سیاسی و اجتماعی آنها گشود. از جمله ابزارهای این تحول، تاسیس مدارس دولتی و نشریات بود که با تلاش زنان روشنفکر و برخی نمایندگان مشروطه خواه انجام شد. مدرسه ناموس، ژاندارک و دانش سرای دخترانه دارالمعلمت از نخستین و مهم ترین مراکز آموزشی زمان خود بودند و همچنین، انجمن‌ها و نشریات، بستر کنش مطلوبی برای زنان در جهت احیای ظرفیت‌ها و توانمندی‌ها بود. (بامداد: ۲۶: ۱۳۴۸) از نخستین نشریات زنان نیز می‌توان به «زبان زنان» به مدیریت صدیقه دولت آبادی در اصفهان و «نامه بانوان» به مدیریت شهناز آزاد اشاره کرد. این دو نشریه زنان را «نخستین آموزگاران مردان» و هدف از انتشار خود را «بیداری و رستگاری زنان بیچاره و ستمکش ایران» ذکر می‌کردند. (نوری نیارکی: ۷۶: ۱۳۹۸) مباحث مطرح شده در این مجلات، عموماً حول محور انتقاد از وضعیت زنان در جامعه ایران، کسب حقوق فرهنگی و آموزشی زنان و رفع موانع، مسئله حجاب و بهداشت، برابری‌های اجتماعی و اشتغال، شرکت در انجمن‌ها و تاسیس مدارس دوشیزگان، مشارکت و فعالیت سیاسی و تساوی حقوق زنان و مردان پس از انقلاب مشروطه بود. (نوری نیارکی، پیشین: ۸۹: ۱۳۹۸)

نیروهای مذهبی

از منظر تاریخی و فقهی، منازعه اصولیون و اخباریون، فتح باب مباحثات فقهی در حوزه زنان و از نقاط عطف زیست زنان در قالب زیست شیعی بود. یکی از پیامدهای پیروزی مکتب اصولی بر اخباری‌ها، پویایی فقه شیعه در چارچوب شرایط زمان و مقتضیات جامعه بود و تعالیم اصولی باعث شد تلقی منعطف‌تری از کاربرد فقه در مسائل مستحدث اجتماعی پدید و در دوره‌های بعد زمینه فقهی لازم برای کنش زنان را فراهم آورد. با اتکا به این رویکرد آخوند خراسانی با طرح مسائلی نظیر جایز بودن تعذیه کودکان مسلمان از شیر دایگان غیرمسلمان، به جواز ازدواج مرد مسلمان با زنان اهل کتاب اشاره داشت. (ثبوت، ۶۵۱: ۱۳۸۹) آیت‌الله نائینی نیز ضمن دفاع از تعلیم زنان در مدارس، با غیرقابل تسری دانستن بی‌حجابی زنان در غرب به زنان ایرانی، به نقدهای شیخ فضل‌الله نوری در باب تساوی حقوق، افتتاح مدارس دوشیزگان و بی‌حجابی پاسخ داد. آیت‌الله مدرس نیز اگرچه در حوزه سیاسی، برای زنان حقوقی قائل نبود و معتقد بود «خداوند قابلیت در اینها قرار نداده که لیاقت انتخاب داشته باشند و عقول آنها استعداد ندارد؛^۱» اما در زمینه پوشش با تاکید بر این مسئله که

۱. به نظر می‌رسد موضع آیت‌الله مدرس در این مورد، به سبب عدم آمادگی جامعه ایرانی و اقتضات زمانی بوده است. برای

اطلاعات بیشتر ر.ک به مدرس، سید حسن (۱۳۲۹ق) مذاکرات مجلس شورای ملی، جلسه، ۲۸۰.

شرعاً اجباری در پوشاندن دست و صورت زن نیست، دیدگاه‌های نوینی در زمینه بدنمندی زنان طرح نمود. (خواججه‌نوری: ۱۳۵۷:۴۲)

چپ‌گرایان

فعالیت تشکیلاتی در لوای ایدئولوژی و نوآوری در زمینه عدالت و آزادی جنسیتی، امکان جذب عمومی به گروه‌های چپ را به عنوان یکی از موثرترین گروه‌های اجتماعی بخشیده بود. طبعاً برای زنان ایرانی نیز عضویت در این گروه‌ها، نه صرفاً تعلق فکری و سیاسی به بلوک شرق و مقابله با امپریالیسم بلکه ترجمانی از آزادی و عدالت‌مندی بود. نخستین تشکل‌های زنانه چپ در مناطق شمالی ایران فعالیت داشتند. از جمله حزب کمونیست ایران (۱۲۹۹-۱۳۱۰) که ضمن حمایت از جمعیت‌های مترقی زنان، از اولین احزاب سیاسی ایران بود که ضمن پذیرش عضو زن، بر حقوق و خواست صنفی زنان همچون «منع کار شبانه برای نسوان و اطفال»، «مرخصی با مواجب برای زنان آبستن» و «منع کار برای اطفال کوچک‌تر از ۱۴ سال» تأکید نمود. (اسناد تاریخی جنبش کارگری، ۱۳۵۸:۱۰۷) علاوه بر حزب کمونیست، جمعیت «پیک سعادت نسوان» نیز در سال ۱۳۰۰ در شهر رشت با هدف تحصیل حقوق مدنی زنان تشکیل شد. جمیله صدیقی، سکینه شبرنگ، روشنگر نودوست و اورانوس پاریاب از بنیان‌گذاران این جمعیت بودند. این جمعیت با تأسیس کلاس‌های آکابر، دبستان، کتابخانه و برگزاری سخنرانی‌ها در روشنگری افکار زنان تلاش فراوانی کرد. (ساناساریان: ۱۳۸۴:۶۳) مصادف با این تحولات، در تهران نیز «جمعیت نسوان وطنخواه» در سال ۱۳۰۱ بنیان‌گذاری شد. نشریه نسوان وطنخواه (ارگان رسمی جمعیت) با طرح مطالبی درباره حقوق زنان، خطرهای ازدواج زود هنگام و ضرورت تحصیل زنان منتشر می‌شد. (همان)

نیروهای اجتماعی و روشنفکری

در حوزه روشنفکری نیز جنبش جنگل، سید جمال‌الدین اسدآبادی، میرزاده عشقی و برخی زنان تاثیرگذار در این دوره آرا و اقدامات قابل ملاحظه‌ای داشتند. سید جمال‌الدین اسدآبادی اگرچه در دوره ناصرالدین‌شاه بر ضرورت استقرار یک حکومت شرعی برای اجرای احکام اسلامی تأکید داشت، اما در زمانه‌ای که اکثر مسلمانان روبنده زدن را واجب می‌دانستند؛ معتقد بود «بی‌حجابی در صورتی که نتیجه‌اش فساد نباشد خوب است؛ (چرا که) قوت زن در طبیعت اوست.» (خسروشاهی، ۱۳۷۹:۸۳) جنبش جنگل نیز در مرام نامه خود، بندهایی در زمینه حقوق زنان از جمله «آزادی تامه انسان در استفاده کامل از قوای طبیعی خود»، آزادی فکر، عقیده و همچنین تساوی زن و مرد در حقوق مدنی و اجتماعی را آورد. (رضازاده فخرایی: ۱۳۴۴:۳۶) در همین دوره است که انجمن‌هایی نظیر «مجمع کشف حجاب» از سوی میرزا ابوالقاسم آزاد و شهناز آزاد رشديه با هدف طرح بحث تغییر پوشش در دهه نخست ۱۳۰۰ شمسی تشکیل شد. (اعتصام: ۱۳۸۱:۱۷۰)

به صورت کلی سبک تفکر در این دوره، تحت تاثیر چند جریان قرار گرفت. اولین مسئله غلبه نگرش روحانیت اصولی بر اخباری و دوم بسط فعالیت گروه‌های چپ در زمینه جامعه‌پذیری زنان، تاسیس مدارس و ورود آموزه‌های جدید بود. ترجمه رمان‌های اروپایی (مانند اسرار پاریس اثر اوژن سو) و علاقه زنان به خواندن آن‌ها، از مجاری عمده آشنایی زنان به حقوق خود و جامعه‌پذیری آنها بود. تحولات این دوره را می‌توان از منظر مواجهه با اندیشه‌ها و ایدئولوژی‌های نوین نیز تحلیل نمود. بدنامی زنان نیز در قالب طرح بحث پوشش و حجاب، حضور اجتماعی و سیاسی در همراهی با جنبش‌های ملی و نسخ شدن پدیده حرمسرای پادشاهی قابل تحلیل است.

ب) دوره پهلوی اول (۱۳۰۴-۱۳۲۰)

فعالان جنبش زنان ایران در دوره پسامشروطه مباحث نظری و انجمن‌هایی در نقد پوشش طرح نمودند. برای مثال نشریه «عالم نسوان» در سال ۱۳۱۰ بحثی درباره وجوب یا حرمت حجاب طرح و فراخوانی برای این بحث چاپ نمود. (بامداد: ۴۶: ۱۳۴۸) اما تحول کلان تری در باب زن‌ایرانی متأثر از نزاع‌ها در این دوره مطرح بود که باز نمودی نهادی و رسمی در تمام دوره پهلوی داشت.

انگاره زن ایرانی به مثابه مسئله اجتماعی

زنان به عنوان یکی از اقشار اجتماعی، از مهم‌ترین نیروهای پیش برنده توسعه آمرانه مدنظر رضاشاه بودند؛ از این رو برای وی، تغییر جایگاه و نقش اجتماعی آنان اجتناب ناپذیر می‌نمود. (زیباکلام: ۱۳۹۸: ۲۳۷-۲۳۴) در راستای لزوم تغییر جایگاه زنان در ایران رضا شاه معتقد بود «در گذشته، زنان نصف جمعیت کشور ما بحساب نمی‌آمد و نصف قوای عامله کشور عاطل بود... مثل اینکه زن‌ها افراد دیگری بودند و جزء جمعیت ایران بشمار نمی‌آمدند» (پهلوی، ۱۳۳۹: ۳۳) در این دوره دو تحول عمده در وضعیت زن ایران رخ داد. نخست مطرح شدن «زن ایرانی» به مثابه یک «مسئله اجتماعی» و دوم آغاز فرآیند تبدیل زنان به شهروند^۱ و تعریف حقوق فردی و اجتماعی فارغ از مردان. دولت رضاشاه نیز در این راستا این اقدام به تاسیس «کانون بانوان ایران» با هدف ترویج مسائلی پیرامون آموزش، بهداشت، مد لباس و خانه‌داری نمود.

نیروهای مذهبی

تاسیس حوزه علمیه قم در سال ۱۳۰۱ به مثابه یک ساختار، تمرکز سیاست‌گذاری جهت مواجهه با ناهنجاری‌های اجتماعی را به روحانیت می‌داد، اگرچه این مواجهه به صورت مستقیم با نظام سیاسی صورت نمی‌پذیرفت. به دلیل نوع ساخت مطلقه دولت پهلوی، نیروهای مذهبی تا شهریور ۱۳۲۰، نقش تدافعی و همراهی سلبی داشتند؛ از این رو به طور مثال به موضوع اهانت رضاشاه به آیت الله

۱. Citizen

باقی - که به ورود زنان بی حجاب دربار به حرم حضرت معصومه علیها السلام در قم اعتراض کرده بود - واکنش جدی صورت نگرفت. از جانب دیگر، تاثیر اندیشه‌های نو و همچنین شرایط زمانی نیز در این رویکرد تدافعی بی تاثیر نبود. به طور مثال در سال‌هایی که استفاده از چادر برای زنان ممنوع بود، زنی با پالتویی بلند و کلاه نزد عبدالکریم حائری موسس حوزه علمیه قم می‌رسد و سوالی در باب پوشش خود به عنوان حجاب شرعی می‌نماید که آیت‌الله حائری نیز پوشش وی را تایید می‌کند. حائری زمانی که با اعتراض به چرایی مصلحت اندیشی و عدم انحصار حجاب در چادر روبرو می‌شود، در پاسخ، گفته خود را «حکم الهی» خواند. (محقق داماد: ۱۳۷۹) وی در فتوای دیگری، نماز خواندن با «لباس‌های فرنگی مآب» را بلا مانع اعلام کرد. (حائری، ۱۳۹۴: ۸۵)

نیروهای چپ

محدودیت‌های اعمال شده بر نیروهای مذهبی در دوره رضاشاه، فرصت مناسبی به نیروهای چپ برای تقویت فعالیت‌های اجتماعی داد. جمعیت بیداری زنان (۱۳۰۵-۱۳۰۸) با هدف توسعه فعالیت‌های آموزشی و رفع بی‌سوادی، کلاس قرائت و اکابر دایر و هیئت اکتورال (بازیگران نمایش) تاسیس شد. (کامبخش، ۱۳۵۱: ۵۷) جمعیت پیک سعادت در اوایل قرن چهاردهم شمسی به طرح مباحثی نظیر رهایی زنان در کشور شوراها، کودکانه خواندن نابرابری اجتماعی زن و مرد به دلیل تفاوت‌های جسمانی و نقد ازدواج موقت پرداخت. (پیک سعادت نسوان، ۱۳۰۶) شعب انجمن در اصفهان، شیراز، قزوین و تهران نیز تاسیس گردید. در شیراز مجمع انقلابی نسوان توسط زندهخت شیرازی در سال ۱۳۰۶ تأسیس شد و او در مجله‌ای به نام «دختران ایران» مطالبی در نقد حجاب زنان، ترویج آزادی و برابری حقوق بانوان منتشر می‌کرد. تقی ارانی نیز از مهم‌ترین شخصیت‌های چپ این دوره، در مقاله «زن و ماتریالیسم» با نقد اصلاحات آمرانه رضاشاه در حوزه زنان، «کشیدن چادر نماز از سر پیرزنان در میدان‌های عمومی» در شرایطی که «تهران فاقد آب لوله کشی بود» را دلیلی بر گمراه بودن این اقدامات می‌دانستند. (طبری، ۱۳۹۵: ۶۸)

نیروهای اجتماعی و روشنفکری

در عرصه هنر، وارثو طریان^۱ (۱۲۷۵-۱۳۵۳) و روح انگیز سامی نژاد در زمره اولین زنان بازیگر، قمر الملوک وزیری، ملوک فرش فروش کاشانی، بتول عباسی و عزت روح‌بخش نیز در عرصه آوازخوانی و همچنین صدیقه دولت آبادی، فاطمه رضازاده محلاتی (سیاح) و هاجر تربیت از پیشگامان فعالین حقوق زنان در این دوره، فعال بودند. (پرنیا، ۱۹۹۵: ۳۰۰) پروین اعتصامی شاید صریح‌ترین نقدها را

۱. Varto Terian

به وضعیت زنان در قالب شعر سرود و در شعر دیگری تحت عنوان «زن در ایران» از وضعیت حقوقی و فکری زنان هم عصر خود انتقاد نمود.

سبک تفکر زنان در این دوره را باید تحت تاثیر تحول نگرش مذهبی ناشی از پیروزی اصولیون بر اخباریون، تحول سیاسی انقلاب مشروطه و تحول فرهنگی مواجهه زنان ایرانی با ناسیونالیسم باستان‌گرا دانست. اگرچه قانون ممنوعیت حجاب در سال ۱۳۱۴ بدو از سوی رضاشاه صادر گردید، اما همچنانکه اشاره شد مباحث عمومی و خاص زنان در این دوره، نشان از تمایل و همراهی با این رویکرد داشت.

ج) دوره پهلوی دوم (۱۳۲۰-۱۳۵۷)

این دوره ۳۷ ساله پیوستگی نظری و عملی بسیاری با دوره پیش از خود دارد. بسیاری از کنش‌های جریان‌های مذهبی در این دوره مانند چپ‌ها و روشنفکران یا در امتداد روند پیشین بودند و یا مانند جمعیت فدائیان اسلام و سایر نیروهای مذهبی در واکنش به تحولات پیشین همچون قانون ممنوعیت حجاب شکل گرفتند.

نیروهای عرفی-دولتی

همگام با تحولات سیاسی و اجتماعی، دوره پس شهریور ۱۳۲۰ تا کودتای سال ۱۳۳۲ که شاه برای نوسازی قدرت و بازسازی ساخت دولت مطلقه مدرن به زمان نیاز داشت، فراغ بال مناسبی برای زنان جهت شکل‌سازی و ارتقای ظرفیت خود را برای نقش‌آفرینی در تحولات سیاسی و اجتماعی فراهم گردید. محمدرضاشاه در این باره معتقد بود که کشف حجاب نمونه‌ای از اقدامات اصلاحی بود و پس از تبعید رضاشاه، بعضی از زنان از این قانون عدول کردند؛ ولی «من و دولت ترجیح دادیم که این مسئله را به سیر طبیعی خود واگذاریم و برای اجرای آن به اعمال زور متوسل نشویم.» (پهلوی، ۱۳۳۹:۳۱۵) ورود جدی‌تر زنان به حوزه سیاست و اجتماع در این دوره پررنگ‌تر می‌شود. پس از حزب توده، حزب دمکرات ایران که توسط احمد قوام در سال ۱۳۲۴ تاسیس شد، از نخستین احزابی می‌شود که به طور رسمی «شاخه زنان» تشکیل و بر تساوی حقوق زن و مرد و حق شرکت زنان در انتخابات تاکید نمود. (مدیرشانه‌چی، ۱۳۹۴:۱۱۶) پس از ناکامی قانون زنان ایران که در سال ۱۳۱۴ به منظور جامعه‌پذیری و تربیت نسل نوینی از زنان مدرن‌خواه و غیر مذهبی تاسیس شد، دولت در سال ۱۳۳۸ همه کانون‌ها و سازمان‌ها را ادغام و «شورای عالی جمعیت زنان ایران» را با هدف مبارزه با بی‌سوادی زنان تاسیس کرد. (ساناساریان، ۱۳۸۴:۱۱۹) عدم موفقیت شورای عالی زنان در دستیابی به اهداف تعیین شده باعث انحلال آن در سال ۱۳۴۵ و مداخله مجدد دولت در تشکیلات زنان، این بار با جایگزینی شورای عالی با «سازمان زنان ایران» گردید. ماموریت این سازمان ارائه خدمات رفاهی، آموزشی، حقوقی، تبلیغاتی و سیاسی به زنان بود. (آبراهامیان، ۱۳۷۸:۲۱۵)

نیروهای مذهبی

تفکر شیعی به عنوان عامل صورت‌بخش زندگی ایرانیان معاصر، مجموعه‌ای از الگوهای مبتنی بر ارزش‌ها و هنجارهای مذهب تشیع است که صورتی «پذیرفته، مشروع و اعمال‌شده» دارد. عناصر زیست شیعی زنان در این پژوهش با تأکید بر بدنمندی^۱ (الگوهای تجویزی و دستوری بر بدن زنان اعم از نوع پوشش، حضور اجتماعی و...) با تعریف ایستارهای اجتماعی و سیاسی، در هر دوره‌ای به سبک تفکر منحصربه‌فرد بدل شده است. در دوره پهلوی دوم، بخشی از نیروهای مذهبی، بسته به نوع دریافت خود از آموزه‌های تشیع، وارد ساحت نظریه پردازی و عمل‌گرایی شدند. در ساحت نظری، سید محمد بهبهانی با تأکید بر فقه شیعی، به همراه جمعی از مجتهدان در سال ۱۳۲۵، ظاهر شدن زنان بی‌حجاب در اماکن عمومی را حرام اعلام کرد. (اخوی: ۱۴۵:۱۳۷۲) باید اشاره داشت که فقه و شخصیت‌های مذهبی، در نوع و کیفیت حجاب زنان دارای وحدت نظر نبودند. به طور مثال علامه طباطبایی حجاب اسلامی را در قالب ستر (پوشش) مطرح می‌کرد. از نظر ایشان، «مقصود از حجاب آن است که زن خود را به هر نحو که باشد نشان ندهد و بپوشاند»؛ از این رو صرفاً چادر موضوعیت ندارد و بلکه «ستر و ساتر» معتبر است. (رخشاد، ۱۵۶:۱۳۸۱)

زن باحجاب و مدیر خانواده

جمعیت فدائیان اسلام با تعریف زنان به عنوان مسئله اجتماع و مذهب، به دنبال حل مسئله و ارائه پیشنهاداتی در زمینه تاسیس دانشگاه زنانه، کارخانه زنانه و شرکت زنان در نماز جمعه پرداخت. این جمعیت از آرای جریان اخوان المسلمین مصر در مسائل سیاسی و اجتماعی متأثر بود. جمعیت فدائیان اسلام تلاش داشت با روند عرفی شدن حوزه اجتماعی-حقوقی زنان توسط رضاشاه و فعالیت گروه‌هایی نظیر «باهاماد آزادگان» (هواداران احمد کسروی) مقابله نماید. سیدمجتبی میرلوحی وضعیت زنان را فسادآمیز و مسئله آفرین می‌دانست. نواب معتقد بود «آتش شهوت از بدن‌های عریان زنان، خانمان بشر را می‌سوزاند... حجاب زنان باعث می‌شود جامعه در امان بماند.» (خسروشاهی: ۲۱۱:۱۳۶۸) وی برای اصلاح وضعیت موجود، برنامه‌هایی برای وزارتخانه‌های دولتی ارائه و وزارت کشور پهلوی را مامور برگزاری نماز جمعه و جماعت در سراسر کشور و حضور زنان در آن، گسترش ازدواج موقت و جداسازی زنان و مردان در اماکن عمومی کرد. (میرلوحی: ۳۹:۱۳۲۹)

زن غیرسیاسی

۱. Bodily Experience

سبک تفکر فقها در این دوره نیز متأثر از بدنمندی، حضور و مشارکت زنان در امور سیاسی و تصمیم‌گیری برای جامعه را نوعی «اعمال ولایت» محسوب می‌نمود که برای زنان جایز نبود. تفاوت آرای آیت الله خمینی در سال ۱۳۴۱ مبنی بر ممنوعیت حق رای سیاسی برای زنان با سال ۱۳۵۸ در دعوت زنان برای حضور در رفراندوم، انتخابات و تظاهرات - که از جمله نمودهای این بدنمندی و حضور فیزیکی در صحنه اجتماع است - نیز در این راستا قابل تحلیل است. (خمینی، ۱۳۷۸: ۸۱) در اوایل دهه ۱۳۴۰ برای آیت الله خمینی، سلب آزادی قلم، بیان و افکار اولویت بیشتری نسبت به آزادی سیاسی زنان داشت؛ از این رو معتقد بود «موضوع حق شرکت دادن زنان در انتخابات مانعی ندارد؛ ولی حق انتخاب شدن آنها فحشا به بار می‌آورد» (خمینی، ۱۳۷۸: ۱۹۱). آیت الله خمینی چندی بعدی طی بیانیه‌ای که به صورت مشترک با جمعی از روحانیون^۱ صادر نمود، بر غیرقانونی بودن و غیرشرعی بودن طرح شرکت زنان در انتخابات تأکید نمود. (خمینی: ۱۳۷۸: ۱۴۷) این روند فکری البته به واسطه تطورات زیست‌شیعی زنان و لزوم بسیج سیاسی و اجتماعی جامعه تغییر یافت و دوره پس از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ را می‌توان از برجسته‌ترین ادوار حضور زنان ایرانی از منظر سیاسی و اجتماعی ارزیابی نمود.

زن آزادی طلب و ضد استبداد

زنان یکی از فعالترین اقشار اجتماعی در تحولات منتهی به انقلاب ۱۳۵۷ بودند و حدود به ۱۵۰ نفر از شهدای انقلاب را زنان تشکیل دادند. از این رو رهبران سیاسی و مذهبی انقلاب نیز به فراخور تحولات، به اظهار نظر در خصوص وضعیت زنان می‌پرداختند. از این رو وضعیت زنان نیز تابع تحولات پسینی شد. دال مرکزی گفتمان سیاسی آیت الله طالقانی شورا، رفع استبداد و آزادی بود. از این رو، باید مسئله زنان را از دریچه نوع نگاه وی به این مسائل تحلیل نمود. برای آیت الله طالقانی آزادی ناشی از حقوق الهی و در پیوند با دین، مدارا و نفی استبداد تجلی می‌یابد. برای او نظام سازی شورایی بدون تأکید بر برپایی نهادهای دمکراتیک چون شورا، احقاق حق رای برای همگان از جمله زنان و مشارکت مستقیم، تحقق‌پذیر نبود. نوآوری عمده طالقانی در خصوص زنان، مشروعیت حضور و فعالیت در نظام شورایی و منحصر نداشتن حجاب زنان به چادر و باور به «پوشش» بود. (طالقانی: ۱۳۵۷) به همین دلیل، مسئله اصلی برای وی، تعریف نقش آزادمند زنان از منظر سیاسی و تشویق به مشارکت آنها به منظور رفع استبداد بود که از نظر او ضروری‌تر از مسائلی نظیر

۱. از جمله این افراد می‌توان به مرتضی حسینی لنگرودی، احمد حسینی زنجانی، محمدحسین طباطبائی، محمد موسوی یزدی، محمدرضا موسوی گلپایگانی، سید کاظم شریعتمداری، هاشم آملی و مرتضی حائری اشاره کرد.

نوع و کیفیت حجاب می‌نمود. اگرچه در نهایت وی معتقد بود حجاب «حکم ضروری دین»، «نص صریح قرآن» و «مسئله‌ی سنتی و در عمق تاریخ ما و تاریخ شرق» است. (همان)

زن خانه سالار

گفتمان روحانیت شیعی از مجرای غیریت‌سازی با الگوهای سازمانی چپ آموخت که بسیج سیاسی و اجتماعی فراگیر بدون حضور زنان امکان‌پذیر نیست. از این رو متأثر از فضای سیاسی، بر مشارکت زنان با رعایت حجاب و نوعی اولویت‌بندی نقش تربیتی و فرزندآوری زنان با اشتغال تأکید داشت. این الگو از سوی آیت الله مرتضی مطهری ابداع و تبلیغ می‌گردید. در این الگو وظیفه اول زن، «مادری و خانه‌سالاری» است و پیش شرط ورود به مسائل سیاسی و اجتماعی نیز «حجاب» است. (مطهری، ۱۳۹۸:۱۶۸)

فمینیسم چپ

در سال‌های پس از دهه ۱۳۲۰، حزب توده ایران با ایجاد «شورای عالی زنان» و سپس «سازمان زنان حزب»، بستر رهایی‌بخش زن‌ایرانی از تشکیلات مردانه و نهاد مهمی در جامعه‌پذیری سیاسی و اجتماعی زنان ایران بود. این حزب با تاسی از مارکسیسم، ستم به زنان ایرانی را به مثابه «امری تاریخی» می‌دانست و نه موضوعی زیست‌شناسانه. فعالیت‌های حزب توده پس از سال‌های ۱۳۲۰ با تشکیل «سازمان زنان» برای اعضا و سپس برای هواداران حزب ایجاد شد. این سازمان در سال ۱۳۲۵ جای خود را به «تشکیلات دموکراتیک زنان» داد. این تشکیلات بر مواردی همچون برگزاری کنگره سراسری زنان، درخواست برابری کامل زن و مرد، حمایت از حق رای زنان و تشویق زنان برای نادیده گرفتن قانون انتخابات و شرکت در همه‌پرسی سال ۱۳۳۲ تأکید داشت. (آبراهامیان، ۱۳۷۸:۴۱۳) همچنین این الگو بیشتر بر جنبه‌های عدالت خواهانه حقوق زنان و مسئله فقر و تبعیض و جنبه‌های رهایی‌بخش مارکسیسم می‌پرداخت. آن‌ها خواستار تعیین حقوق سیاسی و اجتماعی برای زنان، مزد برابر در مقابل کار برابر، تشکیل کلاس سوادآموزی برای زنان، تاسیس باشگاه‌های ورزشی و آموزشی مختص زنان و تاسیس مدارس بیشتر برای دختران بودند. البته باید اشاره کرد حزب توده ایران که در دوره اول فعالیت (۱۳۲۰-۱۳۳۲) که با پیشرفته‌ترین خواست‌ها با جنبش نوپای زنان گره خورد و بدل به حزبی فعال و مدرن برای قشر زنان شد؛ پس از انقلاب اسلامی و بعد از مواجهه با چالش زن و جامعه، به زنان توصیه کرد «حجاب ضدامپریالیستی» بپوشند. (دنیا، ۱۳۵۸:۹۹)

زن کنشگر مدرن

وامداری فکری جبهه ملی از آرای محمد مصدق، بررسی نظرات وی در خصوص زنان را ضروری می‌نماید. به صورت کلی مصدق معتقد به برابری حقوق زنان و مردان، مخالف چندهمسری مردان و موافق اعطای حق رای به زنان بود. (مصدق، ۱۳۷۷:۳۲) مصدق در نقد چندهمسری بر آن بود که تعدد زوجات آثار ناهنجار اجتماعی دارد و اگر این طور در نظر گرفته شود که یک زن باید فقط به یک مرد تعلق داشته باشد و نباید با چندین مرد رابطه پیدا کند، عدالت حکم می‌کند که یک مرد هم فقط با یک زن رابطه داشته باشد. (همان) مصدق اگرچه یکی از مخالفین جدی کشف حجاب در دوره رضاشاه بود؛ در عین حال اعتقاد داشت این مسائل باید مسالمت آمیز، «به واسطه اولسیون^۱ و تکامل اهل مملکت» و به تدریج (با رفع حجاب دختران از مدارس) صورت گیرد. (کی استوان؛ ۱۳۲۷:۳۱۵) در آذر ۱۳۳۱ دولت مصدق در لایحه قانون انتخابات، قانون شرکت زنان در انتخابات را نیز پیشنهاد داد. (رهنما؛ ۴۹۳:۱۳۸۴)

روشنفکران و نیروهای اجتماعی

در ارتباط با فضای روشنفکری جامعه در بعد فرهنگی و هنری یکی از مهم‌ترین دستاوردهای زنان در این دوره، بازنمایی «من زنانه» در ادبیات بود. فروغ زمان فرخ زاد، سیمین بهبهانی، سیمین دانشور و محمد دولت آبادی، ادبیات داستانی و شعر را بستر مناسبی برای اعلام وجود و طرح مسائل و مطالبات خویش نمودند. دولت آبادی در رمان «جای خالی سلوچ» به موضوع کودک همسری دختران، استقلال مالی زنان و دیدگاه‌های اجتماعی حول مسائل زنان پرداخت. دانشور در نخستین مجموعه داستان خود با عنوان «آتش خاموش» به مسائل مهمی چون حق انتخاب زن در ازدواج، حق تحصیل و اشتغال زنان و در رمان «سووشون» با خلق شخصیت زنانه، چشم اندازی در جهت نقش آفرینی زنان در تحولات اجتماعی و سیاسی گشود. فروغ فرخزاد در مجموعه‌های آیه‌های زمینی نقدهای بی‌پروایی بر زنان و برخی انگاره‌های مذهبی وارد و مضامین سوسیالیستی در راستای حقوق زنان را ترویج نمود و مهرانگیز دولت‌شاهی نیز از دیگر نمایندگان این طیف فکری بود که با تشکیل جمعیت «راه نو» و ارتباط با اقشار سیاسی و مذهبی همچون سیدموسی صدر در راستای ایفاد حقوق سیاسی و اجتماعی زنان کوشید. (مسکوب؛ ۴۵:۱۳۹۰)

زن خودسالار^۱

علی شریعتی برای مشکل زنان امروزی، راه حل‌های دیروز را برجسته می‌نمود. وی با مددگیری از منطق بازسازی شده^۲ به جای منطق درونی^۳، «فاطمه و زینب» را به عنوان «کهن الگو» و مصالحی^۴ در نظر می‌گرفت که از طریق آنها، سرمایه اجتماعی زنان مسلمان، بناپذیر می‌گردید. ^۵ ابداع شریعتی در ساخت کهن الگو و صورت‌بندی تئوریک زن تاریخی و اسلامی است. او با نقد وضعیت موجود زنان ایرانی معتقد بود زن در جامعه اسلامی تبدیل به «کارخانه فرزندآوری» شده و بیشتر «مادر فرزند» و «همسر شوهر» است و نقش اجتماعی زن به یک «ماشین رختشویی» و درک انسانی‌اش به یک «مادر بچه» تقلیل یافته است. (شریعتی؛ ۱۲۷: ۱۳۵۰) شریعتی سه چهره متمایز وجودی از زن ایرانی شامل زن سنتی، زن متجدد اروپایی و فاطمه‌وار را در جامعه ترسیم می‌کند که زمانه او ناگزیر از انتخاب یکی از آنها قرار داشت. (شریعتی؛ ۳۹: ۱۳۸۴) وی نابرابری‌های تاریخی بر زنان را شامل سرپرستی مرد بر خانواده، چند همسری، ازدواج موقت و تعهدات مالی زناشویی می‌داند (شریعتی، ۱۳۵۰: ۳۵). شریعتی از حجاب به عنوان «پوشش آگاهانه» و «حکم اسلامی» دفاع می‌کرد و آن را متفاوت از چادر می‌دانست. به نظر وی چادر در گذشته فرم پوشش و لباسی بود که نشانه حیثیت و تشخیص گروهی بود، اما در دنیای امروز، بندی بر دست و پای زن تلقی می‌شود. (شریعتی، پیشین: ۳۷)

به صورت کلی در باب سبک تفکر زنان در این دوره باید به نیروهای شکل دهنده سبک تفکر شامل نیروهای مذهبی، نیروهای چپ، ملی و مذهبی‌ها و دولت پهلوی اشاره کرد. روند عرفی سازی حوزه زنان که در دوره پهلوی اول آغاز شده بود، با موانع جدی از جمله نیروهای مذهبی و چپ و بخشی از زنان که خواستار نقش آفرینی در حوزه سیاست و اجتماع بودند، پیگیری گردید. از این رو حاکمیت سیاسی در سال ۱۳۴۱ به بخشی از مطالبات پاسخ و حق رای و فعالیت زنان را به رسمیت شناخت. با تصویب این قانون بیش از ۲۰ زن به مجلس سنا، مجلس شورای ملی و قوه مجریه راه یافتند. (سمیعی‌اصفهانی، ۱۳۹۸) سبک تفکر در حوزه مذهبی، اگرچه با رویکردی انقباضی به دنبال

۱. اصطلاح خودسالار از مقاله «زن خودسالار بدیل زن صنعت بدن» اثر حسن محدثی وام گرفته شده است. برای اطلاعات بیشتر ر.ک به نشریه مهرنامه (۱۳۹۲)، تیرماه، ش ۲۹.

۲. Reconstructed Logic

۳. Logic-in-use

۴. Material

۵. مراد از منطق بازسازی شده این است که پدیده‌ها و ایده‌ها فاقد منطق درونی بوده و آن‌ها باید بر اساس یک نظریه که برای پدیده‌ی مذکور امری بیرونی بوده، مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرند. برای اطلاعات بیشتر ر.ک به اسپریگنر، توماس (۱۳۹۹) فهم نظریه‌های سیاسی، ترجمه فرهنگ رجایی، نشر آگه.

محدودیت‌های سیاسی و اجتماعی در حوزه زنان بود، اما جریان‌های سیاسی مانند حزب توده، جبهه ملی و همچنین نخبگان و روشنفکران زن، توانستند تحول عمده‌ای در نقش دهی اجتماعی به زنان رقم بزنند.

(د) دوره جمهوری اسلامی (۱۳۵۷-۱۴۰۰)

یکی از مهم‌ترین نتایج آمیختگی مذهب تشیع و امور زنان پس از انقلاب اسلامی، ظهور جریان نواندیش دینی است. پس از انقلاب اسلامی، از سوی برخی زنان و همچنین برخی روحانیون نوگرا این پرسمان مطرح شد که چگونه هم‌زمان با تغییرات چشم‌گیر ایران و هم‌گام با مدرن شدن در کنار مناسبات فرهنگی و اجتماعی، رویکرد زن ایرانی با تاکید بر زیست شیعی صورت‌بندی شود. یکی از این الگوها، الگوی نواندیش دینی در حوزه زنان است. زنان معتقد به این الگو قواعد حضور اجتماعی با پوشش را پذیرفته بودند و از طرفی خواستار سهم مناسب حضور اجتماعی بودند. این طیف در واقع خواستار در انداختن طرحی نو بودند که در رهگذر آن هم به اصول مذهبی و احکام پایبند بمانند و هم از کارکردهای اجتماعی و رسانه‌ای دنیای مدرن جا نمانند. این الگو تلاش دارد با تفسیر قوانین اسلامی، آزادی زنان و برابری حقوقی آنها با مردان را در چارچوب نظام جمهوری اسلامی هم‌خوان نماید. از این منظر می‌توان به نظرات و آرای متفکران در این زمینه اشاره کرد. به طور مثال سید محمد حسین فضل‌الله زن و مرد را در عقل یکسان می‌داند. (فضل‌الله: ۱۴۱۹ق) و یا سید محمد اسحاق فیاض در کتاب «جایگاه زن در نظام سیاسی اسلام» با ارائه تعریفی خاص از حکومت شرعی و غیر شرعی، تصدی تمام مناصب عمومی از رهبری، قضاوت، فرمانده نظامی، مرجعیت و... را برای زنان جایز می‌داند. (فیاض: ۱۳۳۴ق: ۳۳) در کنار این دو، از سید یوسف صانعی و سید موسی صدر نیز می‌توان به عنوان پشتوانه فقهی این الگو نام برد. صانعی متأثر از آرای برخی نواندیشان دینی همچون محمد مهدی شمس‌الدین و تحولات نوین سیاسی و اجتماعی، به صورت بندی نوینی از زن و جامعه و سیاست تحت عنوان «زن برابر با مرد - زن ولایت‌مند» پرداخت. (صانعی: ۱۳۸۲) وی معتقد بود که مشکل قوانین موجود در حوزه زنان، عدم سازگاری با اسلام و تحولات جوامع نوین است؛ از این رو صفت مرد (رجل و ذکوریت) را در ولایت، حکومت، مرجعیت، قضاوت و دیگر شئون فقیه، شرط نمی‌داند. (همان) آیت‌الله صانعی همچنین بر تاریخمندی قوانین و تاثیر عوامل جغرافیا و جامعه بر زنان اشاره و به برابری حقوقی و عقلی زن و مرد در مسئله قصاص و دیه و شهادت، حرام بودن ازدواج مجدد مرد بدون رضایت همسر، تعیین سن سیزده سالگی برای بلوغ دختران و ولایت مادر پس از مرگ پدر معتقد بود. (همان) از نظر صدر نیز، یکی از موانع مهم ارتقاء جایگاه زنان در جوامع اسلامی، آمیخته شدن عادات اجتماعی برخی ملت‌ها با تعالیم اصیل اسلامی است و پیرایش این عادات برای روشن کردن دیدگاه اسلامی درباره زن

معاصر ضروری است. صدر حجاب را به مثابه «سلاح زن به منظور جلوگیری از طغیان جنبه زنانگی» می‌دانست. وی همچنین نگاهی نوآورانه به ازدواج داشت و معتقد بود قرآن ازدواج دو مسلمان را نهاد دموکراتیک کوچکی قرار داده است که زن و مرد می‌توانند حدود اختیارات خویش را بر مبنای توافقی پیشین معین کنند. (صدر، ۱۳۹۷: ۹۵-۹۱)

از حیث تاثیرات نیروهای روشنفکری نیز باید اشاره کرد که رشد ارتباطات و شبکه‌های تعاملی اجتماعی، افزایش مهاجرت‌ها و همچنین ضرورت‌های زندگی مدرن، اشکال نوینی از کارکردهای زنانه خارج از عرف را وارد جامعه ایران کرده است. رواج ازدواج سفید، خارج شدن تولید مثل خارج از چارچوب مرسوم (بانک اسپرم)، الگوهای زیست زنان را بسیار متفاوت از گذشته صورت‌بندی نموده است. همچنین تحول نقش مادر به همسری و عدم تبعیت از الگوهای فرزندآوری نوین از ابعاد نوین زیست زن معاصر ایرانی در دوره کنونی است.

به طور کلی در باب سبک تفکر زنان در دوره جمهوری اسلامی باید اشاره کرد که در این دوره تجربه بدن زیستی و بدن اجتماعی با بدن سیاسی زنان گره می‌خورد و الگوهای نوینی مانند «زن انقلابی» و «زن مجاهد و مبارز» (فرزانه، ۲۰۲۰) و «زن نه شرقی - نه غربی» (آیت الله علی خامنه‌ای) را ایجاد می‌نماید. تغییر قوانین مدنی مربوط به زنان در همه حوزه‌ها، تغییر تقویم روز مادر به عنوان نمادهای مذهبی و سیاسی در درک تحولات اجتماعی و زیستی زنان در دوره جمهوری اسلامی موثر است. در حوزه زیست شیعی زنان، با پیش گرفتن مجدد سیاست تنظیم خانواده در دهه ۱۳۶۰، روحانیت شیعی به بازانندیشی فقهی در حوزه باروری و تولید مثل پرداخت. از این رو دولت در سال ۱۳۶۸، برنامه‌ای را با عنوان «تنظیم خانواده» ابلاغ نمود که بر اساس آن وزارتخانه‌های بهداشت، فرهنگ و آموزش عالی، آموزش و پرورش و نیز صدا و سیما مسئولیت اجرای برنامه‌های آموزشی و تبلیغاتی مختلفی را به منظور فرهنگ سازی برای کنترل جمعیت بر عهده گرفت. به دنبال فتوای آیت الله خمینی در زمینه کنترل جمعیت با این مضمون که «در صورتی که اولاً باعث عقیم شدن فرد نشود و ثانیاً کار حرامی صورت نگیرد، کنترل اشکالی ندارد»، ضرورت کنترل جمعیت نه تنها از سوی دولت بلکه از جانب حاکمیت سیاسی (امامان جمعه مانند آیت الله محمد یزدی در اواسط دهه ۱۳۶۰) نیز یادآوری می‌گردید. با این حال در اواخر قرن چهاردهم شمسی، بازگشت با سیاست فرزندآوری مجدداً در دستور کار نظام سیاسی قرار گرفت و بدن زنان در این دوره تحت تاثیر اراده‌های سیاسی به صورت چندباره مورد کاربست قرار داده شد. در این دوره نزاع‌های گفتمانی حول محور زنان از جمله دوگانه زن آزاد - زن مسلمان، زن مدرن - زن سنتی و زن باحجاب - زن باعفاف در بستر کلان تر نزاع پوشش - حجاب نیز مباحث نوینی را وارد زیست سیاسی و اجتماعی زنان نمود.

نتیجه گیری

این پژوهش به دنبال پاسخ به این مسئله بود که چگونه از زمان مشروطه تا پایان قرن چهاردهم شمسی، با تأثر از جریان‌های مختلف فکری، وظایف و کارکردهای سیاسی و اجتماعی زنان تحول یافت. صورت بندی الگوهایی چون زن مدرن ایرانی، زن خودسالار شیعی، زن فمینیست چپ، زن متعهد مسلح، زن خانه سالار، زن نه شرقی-نه غربی، الگوی نواندیش دینی و دوگانه حجاب/پوشش نمونه‌های از همدلی و مواجهه زن ایرانی با زیست سیاسی و اجتماعی جاری در دوره‌های مختلف تاریخ معاصر ایران است. جایگاه زنان در مناسبات اجتماعی جامعه ایران همواره تابعی از آموزه‌های دین اسلام و به ویژه مذهب تشیع بوده است؛ از این رو زیست سیاسی و اجتماعی زنان نه به شکل مفهومی خالص و بی پیرایه، بلکه متأثر از جریان‌های فکری و متفکرانی است که هر کدام تأثیر مشخصی بر شکل گیری سبک تفکر زنان از ابتدا تا پایان قرن چهاردهم شمسی داشته‌اند. اسلام شیعی از طریق مناسک، عواطف و فرآیندها و تجارب دینی به نظامی تبدیل شده که در تمام مراحل زندگی زنان ایرانی حضور داشته و به آن معنا می‌بخشد. برآیندهای این برهمکنش زیستی نیز در قالب مواردی همچون بازنمایی «من» زنانه، تکاپوهای سیاسی و حقوقی، بسط حجاب از یک تجربه بدن زنانه به مساله‌ای سیاسی و مذهبی، تحول ماهوی ارزش‌ها، سلايق و مناسک شیعی (مانند ازدواج حزبی و تشکیلاتی در سازمان مجاهدین خلق) و ابداع الگوهای عدالت جنسیتی مذهبی و عرفی قابل شناسایی است. همچنین در بطن تفاسیر شیعی نیز، نزاع‌های گفتمانی همچون دوگانه زن آزاد - زن مسلمان، زن مدرن - زن سنتی و زن باحجاب-زن باعفاف در بستر کلان نزاع پوشش - حجاب حضور دارند که با نمایندگان فقهی و اجتماعی خاص خود و به فراخور وضعیت عینی، ظهور و بروز متفاوتی از منظر بستر تاریخی داشته‌اند.

منابع

- اسناد تاریخی جنبش کارگری، سوسیال دموکراسی و کمونیستی ایران. (۱۳۵۸). به کوشش جمعی از نویسندگان؛ تهران، نشر علم .
- اعتصام، علیرضا. (۱۳۸۱). *به روایت سعید نفیسی*، تهران، نشر مرکز.
- آبراهامیان، یرواند. (۱۳۷۸). *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل محمدی، محمدابراهیم فتاحی، تهران، نشر نی.
- بامداد، بدرالملوک. (۱۳۴۸). *زن ایرانی از انقلاب مشروطه تا انقلاب سفید*، تهران، انتشارات ابن سینا.
- پرنیا، منصوره. (۱۹۹۵). *سالار زنان ایران، ایالات متحده*: انتشارات مهر ایران .

- پهلوی، محمدرضا. (۱۳۳۹). *ماموریت برای وطنم، تهران*، چاپخانه ارتش.
- *بیک سعادت نسوان*. (۱۳۰۶). بیجا، شماره‌های ۱-۶.
- تورفیل، دیوید. (۱۳۹۹). *زیست شیعی، مناسکی شدن مسلمانان در ایران امروز*، ترجمه سید شهاب الدین عودی، نشر آزما.
- ثبوت، اکبر. (۱۳۸۹). *دیدگاه‌های آخوند خراسانی و شاگردانش*، تهران، انتشارات طرح نو.
- حائری یزدی، عبدالکریم. (۱۳۹۴). *استفتائات*، به کوشش احمدعابدی، نشر زائر.
- خسروشاهی، هادی. (۱۳۶۸). *فداییان اسلام، تاریخ، عملکرد، اندیشه*، انتشارات کلبه شروق.
- خسروشاهی، هادی. (۱۳۷۹). *مجموعه آثار سید جمال الدین*، نشر کلبه شروق، ج ۴-۵، ص ۸۳.
- خمینی، روح الله. (۱۳۷۸). *صحیفه امام*، انتشارات موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۱.
- خواجه نوری، ابراهیم. (۱۳۵۷). *بازیگران عصر طلایی*، ج چهارم، نشر جاویدان.
- دنیا. (۱۳۵۸). *نشریه سیاسی تئوریک کمیته مرکزی حزب توده ایران*، دوره ۴، ش سوم، سال اول.
- دولت‌آبادی، یحیی. (۱۳۷۱). *حیات یحیی*، تهران، نشر فردوس، ج سوم.
- رخشاد، محمدحسین. (۱۳۸۱). *در محضر علامه طباطبایی*، نشر نهاوندی.
- رضازاده فخرایی، ابراهیم. (۱۳۴۴). *سردار جنگل*، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- رهنما، علی. (۱۳۸۴). *نیروهای مذهبی بر بستر حرکت نهضت ملی*، نشر گام نو، چاپ اول.
- زیباکلام، صادق. (۱۳۹۸). *رضاشاه*، تهران، انتشارات روزنه.
- ساناساریان، الیز. (۱۳۸۴). *جنبش حقوق زنان در ایران (طغیان، افول و سرکوب از ۱۲۸۰ تا انقلاب ۱۳۵۷)*، تهران، نشر اختران.
- سمیعی اصفهانی، علیرضا. (۱۳۹۸). *بررسی جامعه‌شناختی پایگاه اجتماعی نمایندگان مجالس بیست‌وسوم و بیست‌وچهارم شورای ملی*، هفتمین همایش تاریخ مجلس، تهران.
- شریعتی، علی. (۱۳۵۰). *زن؛ فاطمه فاطمه است*، تهران، ناشر حسینیه ارشاد.
- شریعتی، علی. (۱۳۸۴). *زن در چشم و دل محمد*، نشر موسسه بنیاد فرهنگی دکتر علی شریعتی مزینانی.
- شریعتی، علی. (۱۳۸۴). *انتظار عصر حاضر از زن مسلمان به ضمیمه جبر تاریخ*، نشر چاپخش.
- صانعی، سید یوسف. (۱۴۰۰). *آرا و فتاوی*، قابل دسترسی در [www. http://saanei.xyz](http://saanei.xyz)
- صانعی، سید یوسف. (۱۳۸۲). *صانعی، سید یوسف، مصاحبه با دانیل داوس خبرنگار روزنامه گاردین*، ۱۳۸۲/۹/۴.

- صدر، سیدموسی. (۱۳۵۱). *مسلمین شیعه در لبنان (فعالیت‌ها و مقالاتی از امام موسی صدر)*، مترجم ابوالفتح دعوتی، انتشارات بعثت.
- صدر، موسی. (۱۳۹۷). *زن و چالش‌های جامعه؛ موسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر*، ترجمه احمد ناظم و دیگران، موسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر.
- طالقانی، محمود. (۱۳۵۷). *مصاحبه با روزنامه کیهان*، ۱۳۵۷/۱۲/۲۰.
- طبری، احسان. (۱۳۹۵). *جامعه ایران در دوره رضاشاه پهلوی*، نشر فردوس.
- فضل‌الله، سید محمدحسین. (۱۳۸۹). *دنیای زن؛ گفت‌وگو با علامه سیدمحمدحسین فضل‌الله*، تهران، واحد ترجمه دفتر نشر و ترجمه سهروردی.
- فضل‌الله، سید محمدحسین. (۱۴۱۹ق). *وحی القرآن، بیروت، دارالملاک*، ترجمه عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، دارالتوحید.
- فیاض، محمداسحاق. (۱۴۳۴ق). *جایگاه زن در نظام سیاسی اسلام*، ترجمه سرور دانش، انتشارات دبیرخانه کنگره تجلیل از مقام علمی آیت الله العظمی فیاض.
- فیرحی، داود. (۱۳۸۹). *مدینه فاضله اصطلاحی است اسلامی نه یونانی*. نشریه پنجره، ش ۶۹.
- قندهاری، محمد. (۱۴۰۰). *اعتبارسنجی خطبه ۸۰ نهج‌البلاغه، دوره تصویر زن در نهج‌البلاغه*، Northwestern University. Shia Muslim Association
- کامبخش، عبدالصمد. (۱۳۵۱). *نظری به جنبش کارگری و کمونیستی در ایران*، بی تا، انتشارات حزب توده ایران، قابل دسترسی در کتابخانه مجلس شورای اسلامی
- کی‌استوان، حسین. (۱۳۲۷). *سیاست موازنه منفی در مجلس چهاردهم ج ۲*، ناشر اسلامی
- محقق داماد، مصطفی. (۱۳۷۹). *مصاحبه با روزنامه بهار*، ۱۳۷۹/۰۴/۲۰
- مدیرشانه‌چی، محسن و دیگران. (۱۳۹۴). *حزب دموکرات ایران و تحولات دهه ۱۳۲۰*، تهران، انتشارات چاپخش
- مسکوب، شاهرخ و دیگران. (۱۳۹۰). *خاطرات مهرانگیز دولت‌شاهی، اولین و تنها سفیر زن ایران (۱۳۵۴-۱۳۵۷)*، طرح تاریخ شفاهی ایران، دانشگاه هاروارد، تهران، نشر صفحه سفید
- مصدق، محمد. (۱۳۷۷). *وصیت در حقوق اسلامی شیعه*، ترجمه علی محمد طباطبایی، انتشارات زریاب.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۹۸). *حجاب*، تهران؛ نشر صدرا
- میرلوحی، مجتبی. (۱۳۲۹). *رهنمای حقایق؛ منشور حکومت اسلامی در سال ۱۳۲۹ به وسیله فدائیان اسلام*، نشر امیدفرد
- نوری نیارکی، مینا. (۱۳۹۸). *بررسی تطبیقی رویکرد دو نشریه زبان زنان و نامه بانوان نسبت به مسائل زنان؛ پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد*، دانشگاه الزهرا

- هیوز، هنری استیورات. (۱۳۸۶). *آگاهی و جامعه*، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران، نشر علمی و فرهنگی

References

- Farzaneh, M. M. (2020). Women and gender in the Iran-Iraq war. Syracuse University Press.
-
- Hughes, H. S. (1958). *Consciousness and society: The reorientation of European social thought, 1890-1930*. Transaction Publishers.
-
- Hughes, H. S. (1968). *The obstructed path: French social thought in the years of desperation, 1930-1960*. Transaction Publishers.
- Hughes, H. S. (1977). *The sea change: The migration of social thought, 1930-1965*. McGraw-Hill.
- Inloes, A. (2015). Was Imam Ali a misogynist? The portrayal of women in Nahj-al-Balaghah and Ketab Sulyam Ibn-e Qays. *Journal of Shi'a Islamic Studies*, 8(10).
- Mirhosseini, Z. (1999). *Islam and gender: The religious debate in contemporary Iran*. Princeton University Press.